

در حاشیه مسابقه کیمیا علیزاده با حریف ایرانی؛

خطاب به مجریان صدا و سیما: بالاخره جمع کنیم برویم یا بمانیم تا آلت دست بیگانگان نشویم؟!

کیمیا علیزاده، هر چند پدیده المپیک توکیو نبود، اما مهم ترین سوژه روز دوم المپیک برای ایرانی ها شد.

به گزارش خبرنگاران ورزش گزارش خبر، او که در المپیک قبلی در رشته تکواندو برای ایران مدال برنز آورد، امسال اما در قالب تیم پناهندگان به المپیک رسید و دست برقصا، اولین مسابقه اش در مقابل حریفی از ایران بود که برد.

بعد از این ماجرا، تعبیر و تفسیر متعددی از مهاجرت کیمیا و رویارویی اش با حریفی از وطنش مطرح شد که می توان درباره هر کدام شان، به تایید و نقد، بسیار گفت و نوشت؛ اما آنچه مرا به نگارش این مختصر واداشت، گفته های یکی از مجریان تلویزیون بود که درباره کیمیا علیزاده چنین گفت که او با پول مردم به اینجا رسیده و اینک آلت دست بیگانگان شده است. در این باره چند نکته قابل تامل است:

۱ - صدا و سیما بگوید مردم به کدام سازش برقصند؟! تا دیروز که آن مجری اش می گفت هر که دوست ندارد، جمع کند از ایران برود و امروز این مجری اش به ورزشکاری که جمع کرده و رفته، این گونه می تازد که چرا رفته است!

۲- حتما کیمیا برای رسیدن به جایگاه المپیکی اش، از امکانات عمومی ایران به طور مشروع بهره برده است ولی در عین حال تلاش ها و تمرینات او را که نمی توان انکار کرد.

او بیش از خیلی ها که مدام بر سر سفره بیت المال هستند و دو قورت ونیم شان هم باقی است و همیشه طلبکارند، برای ملت ایران شادی و افتخار آفریده و اولین زن مدال آور المپیک ایران شد.

اگر صدا و سیما، دغدغه اموال عمومی دارد که کیمیا از آن منتفع شده، ابتدا به واریسی خود بپردازد که در برابر هزاران میلیارد تومانی که از پول مردم ایران ارتزاق کرده، چه گلی به سر این ملت زده است؟

آیا به عنوان یک "رسانه ملی"، مظهر صداقت و وفاق ملی شده یا در قامت رسانه میلی، یکی از عوامل انشقاق ملی، گسترش تبعیض و یکجانبه گرایی و اقلیت محوری بوده است؟!

همچنین صدا و سیما که نگران هزینه ای است که برای کیمیا شده، چرا به عنوان فراگیرترین رسانه داخلی، سراغ حیف و میل های هزاران میلیارد تومانی برخی مسوولان نورچشمی نمی رود و مثلا درباره اتهامات سهمگین مالی برخی مدیران ارشد شهرداری تهران در زمان قالیباف نمی رود؟ آیا آنچه برای کیمیا خرج شده از جیب مردم بوده و آنچه آقایان برده و خورده اند، ارث پدری شان بود؟!

۳ - این که هر کسی در کجای این دنیا زندگی کند، حق شخصی اوست و به هیچ کس هم ربطی ندارد. هم اکنون میلیون ها نفر در سراسر جهان در جایی غیر از زادگاه شان زندگی می کنند و از جمله تعداد پرشماری از ایرانیان که در خارج کشور اقامت دارند.

هنر حکومت این است که طوری رفتار کند که هر شهروند در خارج، فرصتی برای میهن اش باشد، نه این که هم براندشان و هم بعد از این که رفتند، به هزار انگ بیازارد.

۴ - در تلویزیون ایران، به کیمیا علیزاده گفته شد که آلت دست بیگانگان شده است. وارد این اتهام سنگین نمی شوم ولی عمیقا بر این باورم آنانی که با سوءمدیریت خویش، کشور را به حال و روز فلاکت باری انداخته اند که از نخبه علمی و تکنسین فنی تا سرمایه دار و ورزشکارش و نیز بخش زیادی از مردم عادی اش از کشور رفته اند (و همچنان می روند) یا آلت دست بیگانه و کارمند دشمنان ملک و ملت ایران اند یا در خوشبینانه ترین حالت، خام اندیش و ساده لوح.

نگاهی به فهرست اعضای تیم پناهندگان در المپیک توکیو ببندازید:

- سوریه ۹ ورزشکار- ایران ۵ ورزشکار- سودان جنوبی ۴ ورزشکار- افغانستان ۳ ورزشکار- اریتره ۲ ورزشکار- کنگو ۲ ورزشکار- سودان ۱ ورزشکار- ونزوئلا ۱ ورزشکار- کامرون ۱ ورزشکار- عراق ۱ ورزشکار

واقعا شرم آور نیست؟! شرم آور نه برای آنان که به توصیه آن مجری به اصطلاح ارزشی تلویزیون "جمع کرده و رفته اند" که برای کسانی که جوانان مملکت را این گونه رانده اند و بسیار بیشتر از ورزشکار، نخبه و دانشمند و کارآفرین از ایران رانده اند.

واقعا چه شباهتی بین ایران و کشورهای جنگ زده و فلاکت زده ای چون سوریه و کنگو و افغانستان و عراق و اریتره وجود دارد که از بین حدود ۲۰۰ کشور جهان، ایران ما دومین کشور در فهرست تیم پناهندگان شده است؟!

غم انگیز است و ای بسا آن خانم مجری معروف الان به ماها می گوید: هنوز جمع نکرده و نرفته اید؟!